

## سخن پایانی

شاپور راسخ

سروران عالیقدر و دوستان ارجمند، ششمین روز برنامه یازدهمین مجمع سالانه انجمن ادب و هنر نزدیک به پایان آمدن است، مجمعی که بیشتر اوقات آن به وصف مولای اهل بهاء حضرت شوقی ربّانی آن غصن ممتاز یکتا اختصاص یافت و با این همه نقل‌ها و بحث‌ها که به مجلس ما زیب و جلا داد و وجد و اعتلاء بخشید بی‌گمان هنوز همه در اول وصفش مانده‌ایم و از هزار نکته در ذکر جمیلش یک نکته را هم باز نگفته‌ایم.

چه دشوار است توصیف نقش و رسالت عظیم تاریخی که حضرت شوقی ربّانی طیّ سی و شش سال دوره ولایت از آغاز جوانی در نامساعدترین شرایط روزگار بدون معاضد و مددکار، تنها به اتکاء قدرت الهی ایفاء فرمودند. حضرتش فقط ولیّ امرالله و مبین آیات‌الله و شارح نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاء‌الله نبودند بلکه عملاً نظم اداری بهائی را بر پایه مستحکم الواح و صایای حضرت عبدالبهاء بنا کردند، فرمان‌های ملکوتی آن حضرت را بموقع اجرا نهادند، نطق امر مبارک را از چند کشور شرقی و دو سه کشور اروپائی و امریکا به پهنه گسترده گیتی بسط و توسعه دادند، مرکز جهانی امر بهائی را بر شالوده‌ای که حضرت مولی الوری از قبل نهاده بودند برپا داشتند، مترجم و معرف آثار بهائی و تعلیمات حضرت بهاء‌الله به دنیای باختری بودند و حتی راه را بر مترجمان آینده هموار فرمودند. نحوه درک و فهم و نگارش امر رحمن را به پژوهندگان سرمشق دادند و بنیاد امر مبارک را که بر الهیات و عرفان و مبادی روحانی و اخلاقی و تعلیمات اجتماعی و حدود و احکام استوار بود در جهت یک فلسفه تاریخ و تصویری از هدف غائی که استقرار مدنیت جهانی الهی است گسترش و نیرو بخشیدند و نیروهای درونی جامعه‌ای وسیع را برای نیل به آن مقصد عالی تهییج و بسیج فرمودند و چنانکه مشاور عالیقدر خانم پولین رأفت در سخنان افتتاحی خود گفتند با دستور تنفیذ نقشه‌های متتابعه خصوصاً نقشه بدیعه جهاد اکبر

مقدمت تشکیل بیت العدل اعظم الهی یعنی یکی از دو رکن رکن آن نظم نوین جهان آذین را فراهم آوردند.

چه بجا بود و سزاوار که محقق بزرگوار گرانمایه ای چون دکتر وحید رافتی ساعاتی چند را به تشریح مقام ولی و مرتبت ولایت در ادیان گذشته و امر بهائی تخصیص دادند و ریشه های ولایت را در نحوه تفکر اسلامی بخصوص دیدگاه شیعه باز نمودند و متذکر شدند که مسأله ولایت بزرگترین مشکل عالم اسلامی بوده که اینک در امر بهائی با عهد و پیمان خاص که از اهل بهاء به پیروی حضرت عبدالبهاء و بعد حضرت ولی امرالله گرفته شد کاملاً حل و فصل گردیده است. می توان گفت که ولایت متمم رسالت است. شمس مظهر الهی پس از غروب ظاهری در قمر ولایت پرتوافکن می شود و در نتیجه سرسپردگی و عشق به مرجع ولایت است که جوهر ایمان و حقیقت وفا به پیمان یزدان محسوب می شود. عرفا همچون اصحاب شرع بحثی مبسوط در امر ولایت دارند که شایسته توجه یاران است تا در ورای «بنده آستانش شوقی» و «برادر حقیقی شما شوقی» عظمت پایگاه آن حضرت را بهتر و بیشتر دریابند.

از بدیع ترین مطالبی که در سخنان دکتر وحید رافتی مطرح شد امعان نظری ژرف در معنای عصر تکوین در تاریخ بهائی و مقارنه آن با تحولات مهم دگرگون سازی در خاورمیانه و روسیه و برخی ممالک مجاوره بود که نشان می داد که نمی توان تاریخ امر رحمن را فارغ از تطورات احوال جهان که در ارتباط عمیق معنوی با آن است مطرح و عنوان کرد.

پهنای بی حد و غنای بی مثل آثار مکتوب حضرت ولی محبوب چنان است که بحث در آن را از جانب سه تن از سخنرانان روشن بین نکته دان ایجاب می کرد. خانم دکتر الهام افنان (رافت) محقق نوشکفته نکته سنج مروری بر آثار آن حضرت به زبان انگلیسی کردند. آقای دکتر وحید رافتی دانشمند گرامی در مورد آثار فارسی آن حضرت و مضامین و سبک و اسلوب آنها سخن گفتند و آقای دکتر سیروس علائی با عمق و وسعت آگاهی ترجمه های فارسی آثار حضرت ولی امرالله را مطمح نظر قرار دادند.

آثار انگلیسی حضرت ولی امرالله دریایی پهناور است. حدود ۱۵ هزار توقیعات و مکاتبات و رسائل و چند هزار پیام تلگرافی را در بر می گیرد؛ آثاری که از هر کدام دامن ها لؤلؤ لالا به دست می توان آورد. این آثار گرانبها بنا به شرحی که خانم دکتر الهام افنان مطرح کردند علاوه بر تحریرات خود آن حضرت، ترجمه های بی مانندی را از آثار طلعات مقدسه چون کلمات مکتونه و ایقان شریف و رساله ابن ذئب و الواح و صایا و ادعیه و مناجات و همچنین تاریخ نیل (مطالع الانوار) را شامل می شود و نیز توقیعات عمومی آن حضرت را در بر می گیرد که بعضاً به نام های: نظم بدیع جهانی، ظهور عدل الهی، قد ظهر یوم المیعاد، توقیع قرن، اصول نظم اداری و حصن حصین شریعت الله نامیده شده اند و مانند همه صحائف حضرت ولی امرالله چون گوهری تابناک درخشش ابدی دارند. کلام حضرتش چه در اصل و چه در ترجمه نمونه عالی بلاغت و فصاحت ادبی است. در انتخاب کلمات بسیار دقیق، در ساخت عبارات خوش آهنگ و جزیل بسیار

توانمند، در کاربرد صنایع بدیعی لفظی و معنوی بسیار چیره‌دست و در ادای مضامین جدید مربوط به جهان امروز و نظم عالم بسیار هنرمند بودند معذکک چه بسیار در تحریر انگلیسی با آن خضوع و فروتنی ذاتی با دانشمند ادیب روحانی جرج تانزند رایزنی می‌فرمودند و نظر او را عنایتاً طالب می‌شدند و نشان می‌دادند که خواجه رسم و ره بنده پروری داند.

دکتر وحید رأفتی حضرت ولیّ عزیز امر الهی را در چهارکسوت شناسایی و ستایش کردند. نخست در کسوت رهبری و ولایت و مولایی که به گفته ایشان حضرتش را در ممتازترین موضع و موقع قرار می‌دهد زیرا به حقیقت در نیمه اول قرن بیستم حضرت شوقی ربّانی از بزرگترین شخصیت‌هایی بودند که فی الواقع وجه عالم را تغییر دادند و از گروه‌های ناهمگون و پراکنده، یک جامعه جهانی وحدت یافته ساختند.

دوم در کسوت مبین که رموز و اسرار نهفته در آثار جمال ابهی و حضرت عبدالبهاء را آشکار و شکفته فرمودند.

سوم در کسوت مورّخ که در تحلیل تاریخ امر مبارک آن را با تحوّل اوضاع جهان مرتبط نمودند. چهارم در کسوت مترجم و مؤلف و توفیق‌نگار و صاحب مکاتیب و رسائل که نه فقط در اسلوب سخن، قدوة فصحا و بلغای ادب فارسی و عربی بودند بلکه در تنوع و وسعت مضامین مورد تحلیل و تبیین، گوی سبقت از اکثر اصحاب قلم ربودند. در سال‌های نخستین، توقعات عمومی حضرتش بیشتر بر گرد مضامینی چون تأسیس نظم اداری و مؤسسات بهائی نظیر محافل روحانی و صندوق‌های خیریه و حظائر قدس و اوقاف و محفظه آثار و امثال آن دور می‌زد. بعد مسأله اجرای نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء برای توسعه دایره امرالله مطرح شد و نیز بنیادگذاری و تشیید مرکز جهانی و مقامات مقدسه در ارض اقدس مطرح نظر آن حضرت قرار گرفت و چنانکه توقعات انگلیسی سال‌های دهه سی حکایت می‌کند متدرّجاً بعد بین‌المللی در توقعات مبارکه مطرح شد. اما در زبان فارسی فی الحقیقه از سنه ۱۰۱ بدیع است که نظم بدیع جهان‌آرای الهی و موضع و موقع امر در تاریخ تحولات جهانی در توقعات مطوّل جاندار آن آیت کردگار عنوان می‌شود و هر بار به این سه سؤال پاسخ می‌دهند که چه کرده‌ایم، و کجا هستیم، و به کجا می‌خواهیم برویم. و در همین دوران است که اصطلاحات کور و دور و عصر و عهد و نظائر آن را مصرّح می‌فرمایند و حرکت جامعه بهائی را بسوی عصر ذهبی با عبور از مراحل هفت‌گانه و نیز دوران بلوغ عالم و تحقّق وحدت انسانی و حصول مدنیت جهانی را تشریح می‌نمایند.

در مورد سبک و اسلوب کلام حضرت ولیّ امرالله این نکته شایان یادآوری است که در زمانی که سنت‌گرایان و متجدّدین در ایران و احیاناً خارج کشور به بحث و گفتگو درباره بیرون کردن یا پذیرش اصطلاحات و کلمات عربی و هندی و ترکی و مغولی در زبان فارسی سرگرم و احیاناً دست به گریبان بودند حضرت ولیّ امرالله به عنوان ولیّ امر الهی به پیروی از اصول اساسی فنون بلاغت و فصاحت به نگارش آثار خود پرداختند و فارغ از هیاهوی جاری درباره نثر فارسی به خلق سبک و لحن انشائی توفیق

یافتند که خاص هیكل اطهر بود. نه به جریانات تجدّدگرایی گردن نهادند و نه مقلّد سبک سنگین متصنّع نثر قدمای اهل ادب شدند، تعبیر و ارائه مفاهیم و مطالب جدید سبک نوینی را در نثرنویسی اقتضا می‌کرد پس بطور خلاصه اساس کلام آن حضرت بر نثر مرسل متکی است که در آن گاه از صنایع بدیعی و ظرافت‌های مقبول علوم بلاغی بدون غلو و مبالغه استفاده شده است.

دکتر سیروس علائی در بحث از ترجمه‌های فارسی آثار حضرت ولیّ امرالله یکایک توقیعات مهمّ عمومی آن حضرت به زبان انگلیسی را مطرح کرد و فشرده پیام و مقصد و مرام هریک را بیان نمود و در هر مورد اگر ترجمه‌ای به فارسی موجود است یاد آور شد و توجّه داد که اولاً اکثر توقیعات آن حضرت هنوز به حلیه پارسی آراسته نشده و با همه اهمیت و عظمت و فایده محتوم مورد مطالعه اکثر فارسی‌زبانان قرار نگرفته است. ثانیاً بیشتر ترجمه‌ها از مقوله اقتباس و آمیخته به احساس و تعبیر و تفسیر شخصی مترجمانست و کمتر از روش ترجمه خود حضرت ولیّ امرالله که وفاداری کامل به معنی و مطلب اصلی است و با رعایت امانت توأم است پیروی نموده است. ثالثاً برخی از ترجمه‌ها به علت فراوانی لغات دشوار و اصطلاحات ثقیل عربی که غالباً معادل رسای فارسی نیز دارد از فایده گفتار که به فرموده مظهر پروردگار همان رساندن معنی و مطلب از ذهن گوینده به ذهن شنونده است محروم مانده است. رابعاً گاه توجّه کافی به دستور زبان و همچنین تفاوت معنای یک واژه در فرهنگ‌های مختلف مبذول نگردیده و چه بسا که درک ناقص و ابتری را از برخی عبارات حضرتش موجب شده است.

در پایان سخن دکتر علائی پیشنهاد کرد که هیأتی بوجود آید و ترجمه رسمی درست و فصیح و منطبق بر اصل همه آثار عمومی حضرت ولیّ امرالله را دستور کار خود قرار دهد و بدین منظور برنامه‌ای دراز مدّت طرح کند و به اجرا درآورد.

#### خانم‌ها و آقایان عزیز

یازدهمین مجمع سالانه انجمن ادب و هنر از این مزیت استثنائی بهره‌مند بود که جناب علی نخجوانی با کثرت و سنگینی مسئولیت‌های اداری و روحانی مقاله‌ای گویا و رسا درباره ولایت امرالله در عصر تکوین نوشته و فرستاده بودند که خواننده شد مقاله‌ای که به یک اعتبار کارنامه زندگی و خدمات جلیل تاریخی و بیان صفات و سجایای ملکوتی مولای بی‌همتای اهل بهاء بود.

هنگام جلوس آن حضرت بر کرسی ولایت، همه احباء انتظار تشکیل بیت العدل اعظم را داشتند حتی اغیار هم به شهادت جریده تایمز لندن چنین گمان و تصویری در خاطر می‌پروردند اما آن حضرت با صبر و شکیبایی و استقامت و پایداری به هدایت سه منشور اساسی امر الهی یعنی لوح کرم، الواح وصایا و فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء به تأسیس و تقویت محافل محلی و ملی و گسترش نظم اداری در سرزمین‌های مختلف عالم پرداختند تا بر آن اساس در وقت معهود قبه معهد اعلیٰ وضع شود و سر به فلک برآورد. بر اثر تشریح و توضیح آن حضرت بود که احبای غرب از حدود سال ۱۹۴۱ و احبای شرق

از حدود سال ۱۹۴۴ با مفهوم نظم بدیع الهی آشنا شدند و به تفاوت این نظم با انظمه سائره پی بردند. در مقاله مبسوطی که حضرت امة البهاء روحیه خانم در سال ۱۹۴۴ یعنی در بیست و پنجمین سال ولادت در مورد شیوه کار و شخصیت و خلق و منش آن حضرت نوشتند این نکته به صراحت آمده که در ابتدا بسیاری از احباء پی به مقام شامخ حضرتش نبرده بودند و نمی دانستند که آن حضرت مهتدی به هدایت الهی هستند و حق همه سجایا و صفاتی را که لازمه ایجاد و اداره نظم اداری بهائی و متحد و هماهنگ کردن اهل بهاء و تجهیز قوای آنان در خدمت امر رحمن است به آن حضرت اعطاء فرموده است از جمله قدرت اراده، شجاعت بی منتهی، قوت تصمیم، شوق و شور و عواطف صمیمی قلبی در نیل به هدفی عالی، جذائیت در رهبری و فرماندهی و در عین حال تواضع و فروتنی جبلی و مهربانی ذاتی و فی الحقیقه نحوه کار و خدمت آن حضرت سرمشق و راهنمای یاران تا ابدیت است یعنی:

- تشخیص اولویتهای و برنامه ریزی دقیق برای تحقق آنها.
  - رعایت نظم و ترتیب و انضباط در جمیع شئون.
  - تمرکز قوی برای نیل به هدفهای تعیین شده.
  - سحرخیزی و پرکاری و پشتکار و دقت و تعمق در امور و صرفه جویی و نظارت مستمر و ارزیابی کار انجام شده که فی الحقیقه همه از ضروریات یک مدیریت عالی نمونه است.
- یک امتیاز دیگر انجمن ما شرکت جوانانی پژوهنده در ادای نطق و خطابه بود نه تنها خانم الهام افنان بلکه آقای سیامک ذبیحی با سخنرانی دقیق و مستند خود نه فقط موجب حظ معنوی و بهره گیری علمی همه حاضران شدند بلکه دل های مشتاق به حرکت جوانان در میدان خدمت را امید و اطمینان بخشیدند که الحمدلله در گلستان عرفان گل هایی در حال شکفتن هستند که فردا از فیض آنها جهان بهائی معطر و مشکگزا خواهد شد.

دیده ما در انتظار شماس

ما نکردیم خدمتی بسزا

تکیه کلام آقای ذبیحی مقدم بر سه اقدام اساسی بود که حضرت ولیّ و حید امرالله و جبهه همت خود و جمیع یاران قرار دادند: اول تأسیس و استقرار مؤسسات نظم اداری، دوم اعلام و تحقق استقلال امر بهائی و سوم توسعه دایره امرالله.

ایجاد و تحکیم مؤسسات اداری بهائی ضرور بود تا نقشه های وسیع تبلیغی نخست در سطح ملی و بعد در سطح منطقه ای و بالاخره در پهنه جهانی بتواند به اجرا درآید و به موقفیت نائل شود. حضرت ولیّ امرالله هم از نخستین توفیعات چون توفیق ۵ مارس ۱۹۲۲ دستورات دقیق درباره تأسیس محافل محلی و وظائف اصحاب شور و تکالیف احباء و روابط فی مابین افراد و تشکیلات صادر فرمودند و از حدود ۱۹۲۳ همت بر تشکیل تدریجی محافل ملی معطوف نمودند بطوری که در ۱۹۵۳ تعداد این محافل به ۱۲ رسید و در آخر نقشه ده ساله جهاد اکبر که فتوحات آن در اعلاّی امر رحمن فی الحقیقه منطبق بر بشارت

صریح دانیال نبی است به پنجاه و شش بالغ شد. خدمات آن حضرت در ایجاد و توسعه اوقاف امری، حفاظت قدس و مدارس تابستانی و لجنه‌ها و متمرّعات و شورای بین‌المللی و نیز انتصاب حضرات ایادی بهر محقّقی اجازه آن می‌دهد که بگوید عمده مؤسّسات نظم اداری بهائی غیر از بیت العدل اعظم الهی در دوره ولایت تأسیس شده است.

حضرت ولیّ امرالله در استقلال امر و انفصال آن از شرائع سابقه کوششی استثنائی فرمودند و پیوسته جامعه یاران را در این جهت هدایت کردند و یکی از اهمّ وقایع که به دست دشمنان، انفصال و استقلال امر یزدان را تسهیل و تسریع کرد همان صدور حکم محکمه مصر در تصدیق آئین بهائی به عنوان دیانتی جدید با اصول و قوانین جدید بود که حتّی در سرزمین‌های غرب به شناسایی امر مبارک مؤثراً یاری کرد. توسعه نطق امرالله که هدف دیگر آن حضرت بود با اجرای فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، امر را از دائرة تنگ چند کشور غربی و شرقی بیرون آورد و به ابعاد گره زمین گسترده کرد بطوری که در پایان نقشه جهاد کبیر جهانی تعداد ممالک مستقلّ و سرزمین‌های تابعه که در ظلّ امر ربّ البریه آمده بود به ۲۵۹ سرزد و شماره نقاط و جمعیت‌ها و محافل محلّی از ۱۱ هزار گذشت.

هرچند در سخنان برخی از ناطقان اشاره‌ای اجمالی به نوعی فلسفه تاریخ که مبنای آینده‌نگری حضرت ولیّ امرالله است رفته بود اما اهمّیت این موضوع سبب شد که ناطق دیگری\* همه بحث خود را به این موضوع دلکش و پر اهمّیت اختصاص دهد چون بخشی از آثار حضرت ولیّ امرالله در توقیعات عمومی دهه سی به زبان انگلیسی مربوط به تجزیه و تحلیل اوضاع جهان و تمدن مادی کنونی و بیان مفاسد و معایب و تشریح نتایج و عواقب مادّیت و نفی و طرد خدا از تاریخ بشریت است و نیز پیش‌بینی تطوّرات و تحولات آینده دنیا و امر را در ارتباط عمیق آن دو با هم عنوان می‌کند و به عنوان فلسفه تاریخ و آینده‌نگری تمدن، با آثار نام‌آورانی چون: اشنپنگلر، توئینی، سوروکین، تیلاردو شاردن و دیگران قابل قیاس و در عین حال از آن جمله متمایز است منبع اصلی فلسفه تاریخ و آینده‌نگری آن حضرت را در آثار جمال اقدس ابهی باید جست که به قوه خداداده تبیین از خلال اشاراتی سربسته، پراکنده و مجمل استنباط و استخراج شده است و به صورت منظومه فکری یکدستی متکی بر نوعی دیالکتیک روحانی یعنی جدل میان قوای نظم‌بخش و نظم‌گسل با اطمینان به آینده درخشان بشری و تحقّق ملکوت الهی بر این گره خاکی ارائه گردیده است. فلسفه تاریخ و آینده‌نگری حضرت ولیّ امرالله که خصوصاً در توقیع منبع تولّد مدنیت جهانی به زیباترین وجه متجلی شده تنها یک بحث عقلانی و فکری نیست بلکه راهنما و دستور العمل حیات و فعالیت فردی و جمعی بهائیان است که به فرموده جمال قدم به اصلاح عالم و احیاء و تهذیب امم مأمورند و می‌باید هریک در این نمایش یا درام پر جلال که بر صحنه روحانی عالم ظاهر شده و غایتش استقرار مدنیت جهانی تازه‌ای است که جلوه‌نمای ملکوت الهی باشد نقش خویش

\* شاپور راسخ

را هر چند حقیر باشد با عزمی جزم و همتی استوار ایفا کنند.

حضرت ولی امرالله را تنها در کسوت تحلیل‌گر تاریخ و تصویرساز آینده جهان نباید دید. آن حضرت متفکر اخلاق و تربیت نیز بوده‌اند و آثار آن حضرت بر احاطه نظرشان در این دو زمینه دلالت دارد. این بحث شیرین و دلنشین را محقق ارجمند ژرف‌اندیش دیگری مطرح کرد.

آقای دکتر بهروز ثابت دیدگاه اخلاقی و تربیتی آن حضرت را با مکاتب متداول جهان غرب مقایسه کرد و هم از نظام اخلاقی فردگرایی سودجوی لذت‌طلب که بر دنیای کنونی مسلط است و هم از اخلاقیات اجتماع‌گرایی فیلسوفان مادی اشتراکی متفاوت و متمایز یافت. اخلاق بهائی نه قابل تحویل و تنزیل به فلسفه اخلاقی سنتی مذاهب است که هر نوع تحوّل و تطوّر در ارزش‌های اخلاقی را نفی می‌کردند و اسطوره‌هایی چون گناه نخستین آدمیان و گنه کارزادگی بشریت را مطرح می‌نمودند و نه قابل اشتباه و التباس با نظریه کسانانی است که به بهانه تحوّل و تطوّر، به نسیبیت کامل اخلاقیات قائلند. آثار مبارکه حضرت ولی امرالله مبدء اخلاق را در حقائق روحانی می‌داند و در عین حال از مقولات اجتماعی و تاریخی محسوب می‌دارد و به زبان دیگر مدافع آن است که اخلاق جلوه روح و روحانیت در حیات اجتماعی و روابط انسانی است. حضرت ولی امرالله بحران اخلاقی جهان امروزی را نتیجه سرپیچی بشر از پیروی تعالیم الهی جمال مبارک می‌دانند و در عین حال امیدوارند که این بحران منشأ انقلابی روحانی گردد و سکر موت نظم گذشته، ولادت نوزاد نظم نوینی را در پی داشته باشد. پس باید گفت که اخلاق بهائی در داخل قالب کلی جهان‌بینی حضرت ولی امرالله مطرح است.

انسان موجودی است که بسوی کمال اخلاقی حرکت می‌کند اما این حرکت مستلزم تلاش و اراده است خصوصاً که تضاد و تنش همواره در نفس آدمی بوده و هست که در ذات خود از فرشته سرشته و از حیوان و البته در هر مرحله ترقی اخلاقی امکان سقوط و تنزل وجود دارد و ناچار این خواست و کوشش باید مستمر و ابدی باشد. تضاد میان اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی در آئین بهائی حل شده است و گواه آن آیات جمال مبارک است که از سوئی هدف خلقت انسان را خدمت جمیع من علی الارض شمرده است و از سوی دیگر پایه اخلاقی حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بشریت را مورد تأکید قرار داده و بر مرتبت والا و شرافت و حیثیت انسان و لزوم رعایت و احترام آن در هرگونه نظام اجتماعی تصریح نموده است.

دوستان گرانقدر

جمال مبارک فرموده‌اند که: «اهل بهاء باید اجر احدی را انکار نمایند و ارباب هنر را محترم دارند.» به حرمت همین بیان مبارک بوده که در هر اجلاس این انجمن مبادرت به دعوت اصحاب هنر و فن شده و می‌شود و به راستی موجب شکر و شادی است که هنرمند بلندآوازه جناب مهندس هوشنگ سیحون جمع ما را به حضور خود غنا بخشیدند. ایشان با مقایسه معماری‌های کهن یونانی و هخامنشی و تأکید بر

ستون‌های این دو گونه معماری، عظمت آثار باستانی ایرانیان چون تخت جمشید را نمودار کردند. سخنان ایشان دربارهٔ مساجد ایران که با نمایش اسلایدها همراه بود هم لذتِ سمع و هم حظّ بصر آورد و ضمناً سهم عظیمی را که ایرانیان در معماری اسلامی داشته‌اند برملا نمود و همگان را متذکر داشت که وطن ما همواره سرزمین تعصب و خشونت و نافرهیختگی نبوده بلکه برخی از لطیف‌ترین و ظریف‌ترین آثار فرهنگی و تمدنی را با صبغهٔ انسانی و روحانی پدید آورده و به جهان بشری اهداء کرده است.

انجمن ادب و هنر همواره مقدم موسیقی دانان را مغتنم می‌شمرد و خواندن‌ها و نواختن‌های خوش آنان را ارج و قدر می‌نهد. از آقای مهندس منوچهر وهمن سپاسگزاریم که به کمال لطف مسئولیت رهبری و ترتیب ارکستر را عهده‌دار شدند و از همکارانشان امتنان داریم که با ستور و تار و عود و دف، آوای دلآرای خانم غزال نظری و آقای امیر حقیقی را همراهی کردند. آقایان: جلال اخباری، فرمند جهانپور، هوشنگ جهانپور، احسان‌الله ماهر، بهاء‌الدین مهاجر و امان‌الله موقن هر یک درخور تقدیری ویژه‌اند و آقای مسعود میثاقیان که هنرشان را در خدمت انتشار امر احدیت نهاده‌اند دعای همگان را بدرقهٔ سفرهای تبلیغی خویش دارند.

ذکر این نکتهٔ مهم در اینجا ضرور است که انجمن ادب و هنر با اکثر مؤسسات تزئید معلومات و تربیت نیروی انسانی که دوستان با آنها آشنا هستند مشتبه نمی‌شود چه وظیفه و رسالتی خاص دارد که به تأیید و تصویب معهد اعلیٰ رسیده و آن ایجاد و تحکیم روابط معنوی ایرانیان خارج از مهد امرالله با فرهنگ پرمایهٔ ایرانی و زبان و ادبیات فارسی است که مرکب و محمل آثار مقدسه در این ظهور الهی است بطوری که نسل معاصر و خصوصاً نسل جوان ظرائف ادبی و بدایع لفظی و معنوی را که در آثار الهی مکنون است به درستی درک کند و احیاناً ناقل آنها به زبان‌های دیگر جهان شود. معرّفی ادبا و شعرا و نیز رشته‌های مختلف هنر چون موسیقی و نقّاشی و مینیاتورسازی و خوش‌نویسی و نمایش و سینما و جلوه‌های گونه‌گون ادب به همین ملاحظه بوده و هست و به همین مناسبت بوده که هر سال چند کارگاه خطّ و نقّاشی و گل‌سازی برپا می‌شود که انجمن حاضر هم از آن بی‌بهره نبوده است.

\*\*\*

شبهه نیست که شیفتگان حضرت ولیّ عزیز امرالله همواره مشتاق دیدن و شنیدن کسانی هستند که به موهبت لقای آن جمال محبوب یکتا فائز شده‌اند. از این رو بسیار مفتخر بودیم که جنابان دکتر امین و شیلا خانم بنانی که هر دو فارس امر حضرت بهاء‌الله و فاتح روحانی کشور یونان هستند با حضور خود رونق این انجمن را دو چندان کردند و با شرح خاطرات خود از تشرف به محضر مولای مهرپرور آتش شوق در دل‌ها افکندند و اشک حسرت از دیده‌ها روان کردند و همچنین قدردان آقای دکتر هوشنگ رأفت هستیم که خاطرات جمعی از مشرف‌شدگان را در میان نهادند و مصداق این سخن شاعر را تحقق عینی دادند که:



ذکر تو می‌رفت عارفان بشنیدند

جمله به وجد آمدند سامع و قائل

از سخنان لطیف جناب دکتر بنانی یادآوری ذوق و حس قرینه‌سازی و دُهاء و نبوغ زیبایی‌شناسی حضرت ولیّ امرالله بود که در سخنان و آثار آن حضرت جلوه‌ای بس دلچسب دارد و همین ذوق و حس و قریحه است که در ائمه زینیه و شکوه‌مندی که به اهتمام حضرتش برکوه کرمل برپا شده از جمله در مقام اعلیٰ و محفظه آثار متجلی و هویدا است.

از جمله سخنان دکتر رأفت این بود که حضرت ولیّ امرالله با آشنایی کامل به فرهنگ غرب در واقع ترجمان امر مبارک به عالم غرب بودند و کارشان با پل قدیس که امر مسیح را به جهان باختر منتقل کرد این تفاوت اساسی را داشت که نظر و رأی شخصی را در انتقال مفاهیم و تعالیم امر مدخلیت ندادند. آقای دکتر رأفت پس از تشریح شخصیت عنصری و ظاهری و سوابق تحصیلی حضرت ولیّ امرالله، نمونه‌هایی از نثر شورانگیز حماسی آن حضرت را قرائت کردند و هیمنه و شکوه آن را که مورد ستایش ادیبان نیز قرار گرفته متذکر شدند.

دوستان ارجمند و گرامی

همه شاهد بودید که تا چه اندازه شب‌های شعر و موسیقی با حضور جناب بهروز جباری گرمی و جلای مخصوص می‌گیرد حافظه سرشار و نکته‌سنجی و حسن سلیقه ایشان در برگزیدن اشعار خوب و صبر و حوصله‌شان نسبت به همه و تشویق ایشان از گویندگان که در مدارج مختلف اعتلاء ادبی هستند براستی ستودنی است. ایشان از نادر کسانی هستند که از تک مضراب شنوندگان ناساز پروایی ندارند و هر لطیفه را به لطیفه‌ای خوشتر فی البدیهه پاسخ می‌گویند. ناگفته نماند که طبع ایرانی مشکل‌پسند است و راضی کردن همگان کار هر بنده خدایی نیست معدلک نمی‌دانم در کلام جناب جباری و در هنر موسیقی نوازان این دوره چه سحری بود که به قول حافظ:

مطرب چه پرده ساخت که در پرده سماع بر اهل وجد و حال درهای وهو بیست

دوستان عزیز

سالی که گذشت برای انجمن ادب و هنر سالی پربرکت و بارآور بود نه فقط خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر شماره ۶۰ برای تجلیل ایادی عزیز جناب ابوالقاسم فیضی به صورتی زیبا و دلپذیر انتشار یافت بلکه آرزوی دیرین همه ما به نشر دیوان ورقای شهید به همت و محبت خانواده شریف ورقا و مراقبت و ویراستاری جناب بهروز جباری تحقق گرفت و ضمناً خوشوقت و سربلندیم که اولین مجموعه داستان‌هایی از تاریخ بهائی به فارسی آسان به لطف آقای ف. بهگرا و همکاری خانم الهه ژوبین منتشر شد و

چون هدیه‌ای نفیس به انجمن ادب و هنر جوانان که در هفته آخر همین ماه در دوپورت هلند برپا می‌شود تقدیم گردید.

به حکم من لم یشکر الناس لن یشکرالله وظیفه دارم که به نیابت شما، بنیادگذار مؤسسه لندگ و نیز جناب دکتر حسین دانش مدیر آکادمی و همکاران فنی و اداری ایشان را صمیمانه سپاس گویم که اقامت چند روزه در این ساحت باصفای خرم را بر همه ما خوش و گوارا کردند و نیز مهر و لطف خانم و آقای جوانمردی را قدر شناسیم که با غذاهای بس گوارا و مقوی چنان موجب نشاط و سرزندگی مجلسیان شدند که گاه بزم یاران تا ساعاتی پس از نیمه شب ادامه یافت.

انجمن ادب و هنر بسیار مدیون نفس ارجمندی از همکاران هیأت اجرائی است که تصاویر و شجره انساب حضرت ولی امرالله را تهیه کرده و زیور تالار سخنرانی نموده‌اند هرچند به احترام خواهش خودشان نام ایشان برده نمی‌شود اما لطفشان را همه پاس می‌داریم و نیز ممنون همکار دیگری از همان هیأت هستیم که بخش مهمی از انتظامات اداری و شب‌های شعر و موسیقی را زیر نظر داشتند. بانو فردوس روشنگر تشکر می‌کنم مخصوصاً را درخور است که امسال هم کودکان نازنین را درس خط فارسی آموخت و با زبانی که چون محمل وحی الهی بوده سزاوار هر ستایشی است آشناتر و دل‌بسته‌تر کرد مهرشان مستدام باد.

اکنون که عرائضم به پایان می‌آید باید به اطلاع شما عزیزان برسانم که حدود ۱۶۰ تا ۱۷۰ نفر از یاران از ۲۲ کشور جهان از برزیل تا امارات متحده عربی و کویت، از اکوادور تا کانادا و بخشی مهم از ممالک اروپا در محفل ما شرکت فرمودند و وظیفه دارم از جانب دوستان هیأت اجرائی حضورشان را که روح و نور و سرور به فضای لندگ آورد تقدیر و تجلیل کنم و ضمن آرزوی آن که باز شبی را به خوشی در مصاحبت یکدیگر گذرانیم برای همه بازگشتی مقرون به تندرستی و شاددلی خواستار شوم و به امید آن که در سال آینده باز موهبت لقای شما نصیب این مشتاقان شود دو بیت از یک غزل حافظ را با اندک تصرفی نثار قدمتان کنم:

صبح لندگ ذوق‌بخش و صحبت یاران خوش است  
وقت گل خوش باد کز وی وقت می‌خواران خوش است  
از صبا هر دم مشام جان ما خوش می‌شود  
آری آری طیب انفاس هواداران خوش است

حق مددکار و پشتیبان شما باد